

۸۵۷۸۵۵



بررسی رابطه حقوق و اقتصاد در ایران

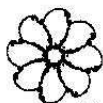
ه‌لقین:

سید ایمان موسوی پور جوزستانی

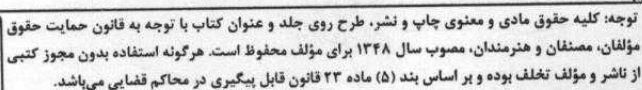
(کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد)

شعبان موسوی پور حیرانی

(کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد)



انتشارات شبازی



فهرست مطالب

۴.....	مقدمه مؤلفین:
۷.....	فصل اول: اصول و مبانی تحلیل اقتصادی حقوق
۸.....	مقدمه:
۱۴.....	تحلیل علم اقتصاد:
۱۹.....	مفهوم مبتدای حقوق:
۲۵.....	روش های تحلیل اقتصادی حقوق در مکتب واقع گرایی:
۳۲.....	فصل دوم: نقش و اهمیت کنونی تحلیل اقتصادی حقوق:
۳۳.....	کارکرد تحلیل اقتصادی حقوق:
۳۸.....	نظریه های رابطه حقوق و اقتصاد:
۴۵.....	فصل سوم رابطه حقوق و اقتصاد در ایران:
۴۶.....	مقدمه:
۴۷.....	اختلاف حقوق کامن لا و حقوق رسته:
۴۸.....	اقتصاد در قانون اساسی:
۴۹.....	مالکیت:
۵۱.....	نظام برنامه ریزی یا آزادی های اقتصادی:
۵۶.....	ساختار تصمیم گیری:
۶۳.....	تعیین سهم واردات و صادرات کالا:
۷۰.....	اصلاح قوانین موجود و وضع قوانین جدید:
۷۸.....	فصل چهارم نتیجه گیری:
۷۹.....	نتیجه گیری:
۸۰.....	بحث و تبیین نظام اقتصادی مورد نظر قانون اساسی:
۸۵.....	پیشنهادهای کلی:
۸۷.....	منابع:



مقدمه مؤلفین:

حقوق و اقتصاد دو واژه آشنا برای عرصه‌های علمی هستند. واژه‌هایی که تحلیل‌گران می‌گویند ارتباط میان آنها تضمین‌کننده مسیر دستیابی به توسعه است. حقوق و اقتصاد رابطه‌ای بسیار تنگاتنگ و تعاملی دارند، یعنی هم حقوق در اقتصاد آثار فراوانی دارد و هم مسائل اقتصادی در موضوعات و مفاهیم حقوقی بسیار موثر است و در ساختن مفاهیم حقوقی نیز نقش پررنگی دارد. در نگ می‌کنیم حوزه‌های سیاست، حقوق و اقتصاد با یکدیگر در تعامل هستند. البته توجهی بر این باورند که ارتباط واقعی میان سیاست، اقتصاد و فرهنگ در جریان است و از این منظر حقوق را زیرمجموعه‌ای از سیاست می‌دانند، ولی بدون شک اگر از منظر اقتصاد به این فرآیند نگاه کنیم، می‌توان رابطه تنگاتنگ و تعاملی میان سیاست، حقوق و اقتصاد را دیده گرفت. بستر اصلی این ارتباط نیز در این امر نهفته است که ماهیت و کارکرد اصلی حقوق، تنظیم روابط اجتماعی را به منظور دستیابی به عدالت و جلوگیری از هرج و مرج در برمی‌گیرد. در این رویکرد تنظیم روابط اجتماعی ارتباط زیادی با تنظیم روابط اقتصادی دارد. این یک اصل است. جلوگیری از هرج و مرج نیز که به وسیله دولت قانون انجام می‌شود تا حد زیادی ناظر بر روابط، کنش و واکنش است. همچنین بسترهای اقتصادی است. در واقع آرمان اصلی حقوق هم که اجرای عدالت است باز در نگاهی کلی ناظر بر عدالت اقتصادی است. اگر یک نظام اقتصادی معقول وجود داشته باشد می‌تواند به

اجرای عدالت منتهی شود. از همین جا می شود به خوبی ارتباط نزدیک میان حقوق و اقتصاد را درک کرد.

در چند دهه گذشته، اندیشه های زیادی درباره اعمال اقتصاد، در زمینه حقوق ابراز شده است. امروزه تقریباً پذیرفته شده که حقوق دانشی مستقل نیست و وابستگی نسبی به سایر علوم دارد. به همین علت، با گذشت زمان به شمار مکاتب ابرازگرا و مطالعات میان رشته ای در علم حقوق افزوده می شود. در این میان، جنبش «حقوق و اقتصاد» از حرکتهایی است که در دهه های اخیر، در تخصص مطالعات حقوقی به خود، توفیق زیادی کسب کرده است و به همین علت است که از آن به عنوان مهم ترین تحول در دانش حقوق، در قرن اخیر یاد شود. به اذعان همه نویسندگان، سنگ بنای جنبش حقوق و اقتصاد و یا به عبارتی آن چه امروزه به «تحلیل اقتصادی حقوق» معروف شده است، توسط رونالد کاوز اقتصاددان و استاد ممتاز دانشده حقوق، دانشگاه شیکاگو با چاپ مقاله معروف «مساله هزینه اجتماع» گذاشته شد. کاوز در نظریه خود به دنبال این مطلب است که جهت حقوق باید با توجه به ابعاد و جنبه های اقتصادی اش تحلیل شود. اندیشه ای که بعدها توسط ریچارد پازر تعمیم داده شد و این گونه عنوان شد که بسیاری از نهادها و قواعد حقوقی را می توان تلاشی جهت تخصیص بهینه منابع دانست. پازر معتقد بود که با توجه به کمبود منابع از یک سو و نیازهای نامحدود انسان از سوی دیگر، ضروری است تا این منابع محدود به بهترین شکل ممکن یعنی



بصورت کارآمد، تخصیص یابند لذا قواعد حقوقی باید با هدف رسیدن به کارایی بیشتر تنظیم گردند.

به نظر می‌رسد اما در ایران هنوز نمی‌توان به سادگی در مورد رابطه میان حقوق و اقتصاد سخن گفت. این مساله بدون شک چالشی جدی برای فضای اجرایی و عملیاتی اقتصاد و حقوق محسوب می‌شود. یکی از مسائلی که این روزها توسعه‌یافته‌ها به آن اشاره می‌کنند ارتباط میان حقوق و اقتصاد است. ارتباطی که به نظر می‌رسد در اقتصاد ایران آنچنان به آن پرداخته نشده است. بنابر این پژوهش به بررسی رابطه بین حقوق و اقتصاد در ایران می‌پردازد.

